

ترویجی

مقایسه تفاوت‌های رفتارها و نیت باروری در بین زنان مهاجر و بومی در شهر مهاجران شازند (استان مرکزی)

محمود مشفق^۱

حامد فراهانی^۲

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی و مقایسه رفتارها و نیت باروری و تعیین کننده‌های آن بین زنان سنین باروری (۴۹-۱۵ساله) مهاجر و بومی در شهر مهاجران شازند، در سال ۱۳۹۹ می‌پردازد. مبانی نظری تحقیق شامل: وقفه مهاجرتی، نظریه انطباق مهاجرتی و نظریه مشخصه‌ها و تبیین‌های هنجاری-فرهنگی است. روش تحقیق در این مطالعه، پیمایش است. برای این منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۳۵۸ نفر از زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله شهر مهاجران شازند (۱۹۲ نفر مهاجر و ۱۹۲ نفر بومی) مورد بررسی قرار گرفتند و پرسش نامه محقق ساخته توسط آن‌ها پر شد. نتایج مطالعه نشان داد که، افراد دارای یک فرزند، تمایل به فرزندآوری داشتند، اما در افراد دارای دو فرزند، تمایلی به داشتن بیشتر از دو فرزند مشاهده نشد. میانگین به دست آمده از طریق آزمون تی دو نمونه مستقل نشان داد، که تعداد فرزندان بومیان حدود ۲/۵ فرزند و مهاجران حدود ۲ فرزند می‌باشد و از نظر آماری این تفاوت معنادار است. ارزش فرزندان، ترجیحات جنسی، سن زن در اولین بارداری در تعیین تفاوت‌های باروری زنان بومی و مهاجر از نظر آماری معنادار شد. در این مقاله فرضیات مبتنی بر نظریه وقفه مهاجرتی و نظریه مشخصه‌ها مورد تأیید قرار گرفت، اما فرضیات نظریه انطباق رد شد.

واژگان کلیدی: باروری، مهاجر، بومی، رفتار، نیت، شهرمهاجران

۱-استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران moshfegh@atu.ac.ir

۲-کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران Hamedfarahani69@yahoo.com

مقدمه:

یکی از پدیده‌های مهم در جمعیت‌شناسی، مهاجرت است که باعث تغییر در سایر پدیده‌های جمعیتی از جمله باروری می‌شود. تغییر در محیط اجتماعی به دلیل مهاجرت، باعث تغییر رفتارهای جمعیتی می‌شود. همچنین مهاجرت باعث تغییر در حجم و ساختار جمعیت، تغییر در محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران و تغییر در نگرش، افکار و رفتارهای باروری مهاجران می‌شود (عباسی شوازی، ۱۳۹۵). پرداختن به موضوع رابطه مهاجرت و باروری از جهات متفاوتی اهمیت پیدا می‌کند. اول اینکه ساخت سنی، تحت تأثیر باروری است و رفتار جمعیتی در محیط اتفاق می‌افتد؛ دوم اینکه رفتار باروری، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. هم چنین بررسی نگرش و رفتارهای باروری جمعیت مهاجران و بومیان این شهر، به دلیل تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویتی و مدیریت و اداره کردن جمعیت درباره تأثیر فرهنگ مهاجران اهمیت پیدا می‌کند. مهاجرت می‌تواند محل زندگی مهاجران و محیط اقتصادی و اجتماعی آنان را تغییر دهد. حتی می‌تواند رفتارهای افراد به خصوص رفتارهای باروری مهاجران را نیز تغییر دهد. به عبارتی دیگر، افرادی که به مکانی مهاجرت می‌کنند، ممکن است تحت تأثیر فرهنگ، محیط و ... مردم آن مکان قرار گیرند و با کاهش یا افزایش باروری مواجه شوند. به همین دلیل اهمیت رابطه بین مهاجرت و رفتار باروری و مطالعه رفتارهای باروری در بین زنان مهاجر که در سنین باروری هستند، اهمیت پیدا می‌کند. رفتار باروری به عنوان مهمترین عامل تغییرات ساختار سنی جمعیتی به شمار می‌آید. ممکن است رفتارهای باروری تحت تأثیر مهاجرت قرار گیرد و رفتارهای باروری را تغییر دهد. به عبارتی دیگر، زمانی که افراد از مبدا به یک مکان جدید (مقصد) مهاجرت می‌کنند، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، افکار، باورها و ... را با خود به جامعه مقصد می‌برند، ولی این امکان نیز وجود دارد، که این فرهنگ (ارزش‌ها، افکار و ...) در جامعه مقصد تغییر کند. چون افراد در مقصد، با یک محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی روبه رو می‌شوند و همین امر باعث تغییر در رفتار

باروری مهاجران می‌شود (باخ^۱، ۱۹۸۱). باروری، تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و ... است. در گذشته عاملی که در کاهش یا افزایش باروری نقش به‌سزایی داشته است، عامل اقتصادی مطرح شده، اما در دهه‌های اخیر عامل فرهنگی نیز اضافه شد. بنابراین از عوامل مهم مهاجرت و تغییر در رفتارهای باروری، وضعیت و شرایط اقتصادی در مبدا و مقصد (فرصت‌های شغلی، کسب درآمد، نوع مسکن و...) و شرایط فرهنگی و اجتماعی مبدا و مقصد (ارزش فرزند، حمایت اجتماعی، وضعیت اقامت، قومیت، تعلق به جامعه مقصد و...) در بین مهاجرین و بومیان از یکدیگر، نقش زیادی دارند.

از جمله عواملی که می‌تواند در مبدأ و در مقصد مهاجرت، باروری را تحت تأثیر قرار دهد، شرایط اقتصادی فرد مهاجر است. شغل از جمله متغیرهای مهم اقتصادی است، که بر رفتار باروری مهاجران اثر می‌گذارد. وقتی فرد به علت عدم داشتن شغل به مکانی دیگر مهاجرت می‌کند، بعد از مدتی ممکن است با فراهم شدن شغل و کسب درآمد مناسب، ازدواج و فرزندآوری را به تأخیر نیندازد. عواملی دیگر از جمله سبک زندگی، رفتار جنسی و ... در رفتارهای باروری افراد در مبدا و مقصد مهاجرت موثر هستند. روابط اجتماعی می‌تواند ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌های مرتبط با رفتار باروری را به وجود آورد (محمودیان، ۱۳۷۹).

در دهه‌های اخیر سهم زنان در مهاجرت افزایش یافته است و در ایران نیز این بحث موضوعیت پیدا می‌کند. در رابطه با باروری و موقعیت اقتصادی و اجتماعی، رانگ بیان می‌کند، افرادی که از موقعیت اقتصادی و اجتماعی پایینی برخوردار هستند، دارای سطح باروری بالایی بوده و این مطلب را می‌توان تقریباً به عنوان یک قانون اجتماعی و اقتصادی قلمداد کرد (رانگ^۲، ۱۹۷۷). بنابراین عامل اقتصادی باعث تأخیر در ازدواج و یا بالا رفتن سن ازدواج می‌شود. هم‌چنین عواملی که می‌تواند در سن ازدواج نقش داشته باشند، ساختارهای کلان اقتصادی و اجتماعی، ویژگی‌های فردی، قومیت، میزان تحصیلات زنان، شهرنشینی، ازدواج‌های آزادانه‌تر، نسبت خویشاوندی دورتر زوجین و ... می‌باشد.

1- Bach

2- Wrong

باروری، تنها از طریق عوامل اقتصادی قابل تبیین نیست، بلکه با ارزیابی ارزش‌ها و منافع غیر اقتصادی می‌توان این موضوع را تبیین کرد. یکی از این منافع غیر اقتصادی، ارزش فرزندان است. ارزش فرزندان مجموعه‌ای از چیزهای خوبی است که والدین با داشتن فرزندان فراهم می‌کنند (اسپنشاید، ۱۹۹۴). نکته‌ای که اهمیت دارد این است، که ارزش فرزند یا به عبارتی منافع یا هزینه فرزند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و زمانی که فرد از مبدا به مقصد مهاجرت می‌کند و مدتی در جامعه مقصد اقامت دارد، ممکن است با نگرش نسبت به ارزش فرزند آشنا شده و تحت تأثیر آن‌ها قرار گیرد و نگرش خود را منطبق با جامعه مقصد کند.

علاوه بر مسائل ذکر شده، ممکن است تأخیر در ازدواج و فرزندآوری به علت مهاجرت را، عدم حمایت اجتماعی عنوان کرد. حمایت اجتماعی را می‌توان از سوی خانواده، دوستان و بستگان در مقصد جستجو کرد و همین امر باعث می‌شود، زمانی که به مکانی دیگر حرکت می‌کنند، از حمایت اجتماعی و شبکه‌های حمایتی برخوردار شوند و با فراهم شدن بسترهای حمایتی، ممکن است افراد شغل و درآمد مناسب به دست آورند و در نتیجه تمایل به ازدواج و فرزندآوری در افراد به وجود آید. بنابراین وقتی که یک مهاجر وارد یک جامعه می‌شود، خواه ناخواه از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و ... تحت تأثیر جامعه مقصد قرار می‌گیرد. هم چنین افراد جامعه مقصد که به عنوان مهاجران محسوب می‌شوند، از رفتارها، هنجارها و ارزش‌های آن‌ها تأثیر می‌پذیرند.

از جمله شهرهای مهاجرپذیر در ایران، شهر مهاجران واقع در استان مرکزی است. افراد زیادی به علل مختلف از جمله یافتن شغل به این شهر مهاجرت می‌کنند. شهر مهاجران از توابع شازند است و از دلایل مهاجرپذیر بودن شهر شازند هم واقع شدن آن در جوار شهر مهاجران است. شهر مهاجران محل سکونت کارکنان و شاغلان صنایع پتروشیمی استان مرکزی است و پذیرای خیل گسترده‌ای از مهاجران است. مهاجرت خالص این شهر در سال ۱۳۹۰، ۳۵۴۸ + و در سال ۱۳۹۵، ۵۰۳ + نفر

بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵). هدف این پژوهش بررسی تفاوت‌های نگرش و رفتار باروری ساکن بومی و مهاجر شهر مهاجران است و اینکه عوامل اثر گذار بر این تفاوتها چه هستند.

سوالات تحقیق

- در رفتارها و ایده‌آل‌های باروری در بین مهاجران و بومیان در شهر مهاجران شازند چه تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؟
- کدام یک از عوامل اقتصادی و اجتماعی می‌تواند تبیین کننده تفاوت‌های مشاهده شده در رفتار و نیات باروری مهاجران و بومیان در شهر مهاجران شازند باشد؟
- آیا میزان تعلق به جامعه مقصد بر ایجاد تفاوت در رفتار و ایده‌آل‌های باروری در بین بومیان و مهاجران در شهر مهاجران شازند موثر بوده است؟
- آیا میزان حمایت اجتماعی بر ایجاد تفاوت در رفتار و ایده‌آل‌های باروری در بین بومیان و مهاجران در شهر مهاجران شازند موثر بوده است؟
- آیا سطح روابط اجتماعی بر ایجاد تفاوت در رفتار و ایده‌آل‌های باروری در بین بومیان و مهاجران در شهر مهاجران شازند موثر بوده است؟
- آیا میزان سرمایه اجتماعی بر ایجاد تفاوت در رفتار و ایده‌آل‌های باروری در بین بومیان و مهاجران در شهر مهاجران شازند موثر بوده است؟

چارچوب نظری تحقیق

باروری و مهاجرت یک فرآیند پیچیده در جمعیت‌شناسی محسوب می‌شود و عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌تواند بر روی این دو متغیر تأثیر بگذارد و باعث کاهش یا افزایش آنها شود. تبیین تغییرات باروری در اثر مهاجرت مباحثه‌های فراوانی میان صاحب‌نظران برانگیخته است. هر بخش از مطالعات پژوهشگران، باید از نگرش‌ها و پژوهش‌ها شروع شود، که می‌تواند مفید باشد. به عبارتی دیگر، برای دنبال کردن هر مسئله، باید روش کار و خط مشی داشته باشیم (اکوف^۱ ۱۹۷۶). از جمله نظریه‌هایی که در چارچوب نظری مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم چنین تأثیر مهاجرت بر باروری را تبیین می‌کند، عبارتند از نظریه وقفه مهاجرتی،

نظریه انطباق، نظریه مشخصه‌ها و تبیین‌های هنجاری- فرهنگی (ارزشی) که به دو دسته تقسیم می‌شوند: فرضیه تأثیرات قومی - فرهنگی^۱ و نظریه اشاعه^۲ می‌باشد، که چارچوب اصلی پژوهش را شکل می‌دهند و براساس این نظریه‌ها، متغیرها و فرضیه‌هایی اخذ شده و مورد آزمون و آزمایش قرار می‌گیرند. در ادامه به توضیح هریک از نظریه‌های مطرح شده می‌پردازیم.

مدل وقفه مهاجرتی به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا مهاجرت بر باروری اثر توفقی دارد یا خیر؟ براساس مدل وقفه مهاجرت، فرد به دلیل مهاجرت و جابه جایی، فرزندآوری را به تاخیر می‌اندازد و در این حالت با کاهش باروری مواجه می‌شویم. کاهش باروری با توجه این نظریه می‌تواند یک اثر توفقی بر باروری داشته باشد. بعضی از پژوهشگران از جمله: استیون^۳، کاماروتا^۴ و زایگلر^۵ (۲۰۱۹)، فورد^۶ (۱۹۹۰)، کارلسون^۷ (۱۹۸۵) و گلدستین و گلدستین^۸ (۱۹۸۳)، باخ (۱۹۸۱) در رابطه با اثر وقفه مهاجرتی بر باروری، مطالعاتی را انجام داده‌اند.

در نظریه انطباق به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا فرد زمانی که مهاجرت می‌کند و مدت کوتاهی یا مدت زیاد در آنجا سکونت دارد، در این مدت اقامتش با رفتار باروری جامعه مقصد انطباق پیدا می‌کند؟ مطلبی که در این نظریه حائز اهمیت است، این است که افراد مهاجر یا ورود به یک جامعه جدید، بعضی از رفتارهای خود را با جامعه مقصد تنظیم می‌کنند. از جمله رفتارها می‌توان رفتارهای باروری را بیان کرد. انطباق اجتماعی، یعنی اینکه فرد یا گروه با ورود به گروه و جامعه جدید، رفتار خود را با آنان تنظیم و منطبق کند (تئودورسون^۹، ۱۹۶۹). در نظریه مشخصه‌ها، تفاوت در باروری، تصمیم‌گیری برای باروری گروه‌های قومی در توزیع منابع اجتماعی و اقتصادی و تفاوت در ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و

1- The hypothesis of ethno-cultural influences

2- Dissemination theory

3- Stepheh

4- Camarotta

5- Karen Zeigler

6- Ford

7- Carlson

8- Goldstein and Goldstein

9- Theodorson

جمعیت‌شناختی در نظر گرفته می‌شود (جانسون^۱، ۱۹۷۹، اسپنشاد^۲ و پی^۳، ۱۹۹۴). هم چنین بر مبنای فرضیه مشخصه‌ها، تفاوتی که در سطح باروری گروه‌های قومی وجود دارد، می‌توان به تفاوت در مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی زنان نسبت داد.

دسته دوم، مدل هنجاری- فرهنگی (ارزشی) است و با مفاهیمی نظیر، ارزش‌ها، نظام فرهنگی و هنجارها که در شکل‌گیری رفتارهای باروری در ارتباط است و شامل، ارزش فرزندان، پایبندی دینی، تعلق به جامعه مقصد، قومیت، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی و حمایت اجتماعی و ... می‌شود. این مدل در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی به تبیین باروری گروه‌های اقلیت در مقایسه با گروه اکثریت در نظر گرفته می‌شود و استدلال این مدل بر این است، افرادی که در گروه اقلیت در هر نوع از شرایط اقتصادی، اجتماعی، تمایل و تاکید به حفظ هویت و انسجام فرهنگی خود و وجود نوعی خرده فرهنگ هستند، موافق با افزایش باروری می‌باشند. اساس این فرضیه تأثیر معنی‌دار قومیت بر باروری است. به عبارتی دیگر، افزایش باروری در گروه اقلیت ناشی از هنجارها، ارزش‌ها و ... بوده و از خانواده‌های بزرگ حمایت کرده و نیازهای جمعی، مقدم بر نیازهای شخصی و عدم فردگرایی تاکید می‌کند. بنابراین نظام‌های ارزشی و هنجاری و میزان وحدت و یکپارچگی اجتماعی افراد در گروه‌های اقلیت و قومی تأثیرگذار بر رفتار باروری هستند. این مدل، رابطه مثبت بین وحدت و احساس تعلق قومی بر رفتار باروری را نشان می‌دهد (عباسی شوازی، صادقی ۱۳۸۹، صادقی ۱۳۹۰).

پیشینه تحقیق

برخی پژوهش‌هایی در رابطه با رفتارهای باروری مهاجران در مقابل رفتارهای باروری بومیان در یک منطقه صورت گرفته به این مطلب اشاره کرده‌اند، که باروری مهاجران نسبت به بومیان به شدت کاهش یافته است. از جمله این تحقیقات:

1- Johnson
2- Espanshad
3- Ye

استیون، کاماروتا و کارن زایگلر^۱، ۲۰۱۹ و پرسسون و هاوم^۲، ۲۰۱۴، فورد^۳، ۱۹۹۰، استفان و باین^۴، ۱۹۹۲، هیل و جانسون^۵، ۲۰۰۴، کوولو^۶، ۲۰۰۵، ویلا و مارتین^۷، ۲۰۰۷، شوورل^۸، ۱۹۹۵، تاولون و مازوی^۹، ۲۰۰۴، گلدشتاین و تیراساوات^{۱۰}، ۱۹۷۷. کاماروتا و زایگلر (۲۰۱۹) با موضوع مهاجرت و باروری بومی در بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ به مطالعه پرداختند. آن‌ها نشان دادند، اختلاف باروری مهاجران نسبت به بومیان به شدت کاهش یافته و در نتیجه، تأثیر مهاجرت بر میزان باروری کل اندک و متوسط بوده است. میزان مولید در سال‌های باروری بین سنین (۱۵ تا ۵۰ ساله)، بیش از دو برابر مهاجران نسبت به بومیان بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۷ کاهش یافته بود. میزان باروری کل مهاجران از سال ۲۰۰۸ با سرعت بیشتری نسبت به میزان باروری کل برای بومیان کاهش یافت.

پرسسون و هاوم (۲۰۱۴) مهاجران جدید تایلندی دارای باروری کمتری نسبت به افرادی که مدتی حرکت نکرده‌اند و در یک جا اقامت می‌گزینند، می‌باشند. پژوهشگران درباره مهاجرت و باروری چنین اعتقادی دارند، در دوره قبل از مهاجرت و برای مدتی که به دنبال مهاجرت و مکانی برای مهاجرت هستند، احتمالاً باروری را به تعویق می‌اندازند (فورد، ۱۹۹۰؛ استفان و باین، ۱۹۹۲، هیل و جانسون، ۲۰۰۴، کوولو، ۲۰۰۵، روئیگ ویلا و کاسترو مارتین، ۲۰۰۷). میزان باروری مهاجران کاهش یافته و به سطح میزان باروری در زنان بومی رسیده است (شوورل، ۱۹۹۵، تاولون و مازوی، ۲۰۰۴). تأثیر مهاجرت، از جمله جدایی از مبداء محل زندگی و مهاجرت در بعضی موارد به اندازه کافی زیاد می‌باشد، و به طور موقت باروری زنان را کاهش می‌دهد (گلدشتاین و تیراساوات، ۱۹۷۷).

1- Steven, Camarota and Karen Seigler

2- Lotta Persson and John M. Haum

3- Ford

4- Stephen and Bain

5-Hill and Johnson

6- Kovulo

7- Roig Villa and Castro Martin

8- Schoverl

9- Toulon and Mazui

10-Goldstein and Thirasavat

در تحقیقات کلوین^۱، ۲۰۱۸، کنان نوانتینان^۲، ۲۰۱۳، اندرسون و اسکات^۳، ۲۰۰۵، دیوید پی لیندستروم^۴، ۲۰۰۳، عباسی شوازی، رسول صادقی و پونه شهریاری (۱۳۹۵) به این مطلب اشاره کرده‌اند، مهاجرت و مشکلات و مسائل اقتصادی پیش‌روی مهاجران، منجر به کاهش باروری مهاجران می‌شود. کلوین (۲۰۱۸) بیان می‌کند اگر بومیان، مهاجران را به عنوان رقیب برای فرصت‌های شغلی کمیاب در بازار کار مشاهده کنند، ممکن است با هجوم مهاجرت به جامعه مقصد، منجر به افزایش درک از عدم امنیت شغلی شوند. اگر مسکن به عنوان یک پیش شرط برای فرزندآوری قلمداد شود، افزایش اجاره بها و قیمت مسکن، باعث کاهش درآمد واقعی یک خانواده می‌شود و این تأثیر می‌تواند عاملی منفی بر تقاضای فرزندآوری شود.

نوانتینان (۲۰۱۳) جنبش‌ها و تحرکات مهاجرتی، تأثیر بیشتری بر تغییرات آینده مردم نه تنها در سطح کشورهای پیشرفته، بلکه در کشورهای در حال توسعه خواهد گذاشت. همه این پدیده‌ها، در پویایی اجتماعی و اقتصادی هم در سطح محلی و هم در جهان تأثیر دارد. سیاست‌های رفاهی، الگوهای اشتغال و سایر عوامل نهادی سازوکارهای مهمی را تشکیل می‌دهند، باعث تعدیل میزان باروری مهاجران به «الگوهای باروری محلی» شود. (اندرسون و اسکات، ۲۰۰۵، دیوید پی لیندستروم ۲۰۰۳).

در تحقیقات کوولو، هانمان^۵، ۲۰۱۷، آچاریا^۶، ۲۰۱۰، ادھیکاری^۷، ۲۰۱۰، سوتکا^۸، ۲۰۰۸، کان^۹، ۱۹۹۴، سینگلی و لاندال^{۱۰}، ۱۹۹۸، استیفن و بین^{۱۱}، ۱۹۹۲، کارلسون^{۱۲}، ۱۹۸۵، سعادت، ۱۳۹۶، عباسی شوازی، صادقی و شهریاری، ۱۳۹۵ و دهقان، ۱۳۹۴

- 1- Kelvin
- 2- Kenan Newantinan
- 3- Anderson and Scott
- 4- David P. Lindstrom
- 5- Hill CooLo Tina Hanman
- 6- Acharya
- 7- ADEHIKARI
- 8- Thomas Sotka
- 9- Kan
- 10- Single and Landal
- 11- Stephen and Bean
- 12- Carlson

در این یافته اشتراک نظر داشته‌اند، که عوامل جمعیتی، فرهنگی، قومیتی و هم چنین اقامت طولانی مدت در مقصد بر رفتار باروری مهاجران و بومیان تأثیر دارد. کوولو وهانمان (۲۰۱۷) رفتار باروری فرزندان مهاجران در درجه اول تحت تأثیر محیط اجتماعی کشوری است، که در آنجا بزرگ شده‌اند. اگرچه آن محیط یکنواخت نیست. برخی ممکن است تحت تأثیر جامعه اصلی رشد کنند، در حالیکه ممکن است، برخی دیگر نیز تحت تأثیر خرده فرهنگ اقلیت زندگی کنند. تأثیر جامعه اصلی منجر به جذب ساختاری عمدتاً اقتصادی و فرهنگی فرزندان مهاجران می‌شود و نشان دهنده شباهت رفتار آن‌ها به رفتار اکثریت می‌باشد.

آچاریا (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که عواملی نظیر تحصیلات، قشرهای مذهبی و نقاط و مکان زندگی شان در میزان باروری تأثیر به سزایی دارد. به عبارتی دیگر، افرادی که دارای تحصیلات بیشتری هستند، میزان باروری پایین و در میان قشرهای مذهبی مسلمان نسبت به قشرهای مذهبی دیگر میزان باروری بالا و هم چنین در نقاط روستایی، دارای میزان بالای باروری نسبت به شهرنشین‌ها مشاهده شد. ادھیکاری (۲۰۱۰) شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای زنان مهم است و در این شرایط می‌توانند در مبدا و مقصد بر میزان باروری آن‌ها موثر واقع شود.

سوتکا (۲۰۰۸) مشاهده نمود که زنان مهاجر به طور معمول، سطح قابل ملاحظه‌ای و بالاتر از باروری زنان بومی را حفظ می‌کنند، اما این تفاوت به طور معمول با گذشت زمان و با مدت اقامت آن‌ها و هم سو شدن با جامعه مقصد کاهش می‌یابد. هم چنین مهاجران به طور قابل ملاحظه‌ای در تعداد مولید و افزایش آن‌ها در دهه‌های گذشته تأثیر داشته‌اند. با گذشت زمان انتظارات مهاجران در مورد فرزندآوری با انتظارات باروری زنان بومی همسو شده است. سینگی و لاندال (۱۹۹۸) بعضی از ویژگی‌های زنان نظیر تحصیلات، سن ازدواج و سن در هر جامعه (مهاجر و بومی) نقش اساسی در رفتارهای باروری دارد. استیفن و بین (۱۹۹۲) زنانی که در مدت چهار سال در مکان مقصد اقامت دارند، با زنانی که بیش از چهار سال اقامت دارند، از میزان باروری کمتری برخوردار هستند. کارلسون (۱۹۸۵) مهاجرت، دلیل بر تاخیر در ازدواج و فرزندآوری است.

پیشینه مطالعاتی و تحقیقاتی مهاجران خارجی در ایران عمدتاً در مورد مهاجران افغانستانی شکل گرفته است و شامل: پرویش (۱۳۷۳) زنان افغانستان دارای سطح باروری بالایی هستند. رفتار باروری مهاجرین افغانی که به ایران مهاجرت کرده بودند، رفتار باروری متفاوتی را با مقصد داشتند و دارای فرزندآوری بالایی بودند (پرویش، ۱۳۸۳). محمودیان (۱۳۸۶) متفاوت بودن باروری زنان افغانی با ایرانی و مشابه شدن رفتارهای باروری نسل دوم مهاجران زن افغانی با زنان ایرانی بود. شرایط اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران، متغیر تحصیلات، تأثیر منفی بر باروری دارد، اما در مورد مردان تحصیلات و تعداد فرزندان ارتباط وجود نداشت، این بدان معناست، عواملی دیگری نیز در تعداد فرزندان برای مردان تأثیرگذار است. میزان خام موالید مهاجر افغانی، نسبت به بومیان آن منطقه بالاتر بوده است. مک کراری و رویر^۱ (۲۰۰۶) تحصیلات بر فرزندآوری تأثیر منفی دارد. هم چنین با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، باعث پایین آمدن فرزندآوری در بین آنها می‌شود. محمودیان (۱۳۷۹) مهاجرانی که کمتر اختیار در مهاجرت داشتند، نسبت به مهاجرانی که دارای اختیار بودند، دارای باروری بالاتری بودند و رفتار باروری آنها شبیه به رفتار باروری در مکان مبدأ بود.

بنابراین عوامل خارجی تأثیرگذار بر رفتار و نیات باروری شامل: امنیت شغلی، درآمد خانواده، افزایش قیمت مسکن، بالارفتن هزینه‌های افزایش یک کودک، وارد شدن به محیط جدید و تحت تأثیر قرار گرفتن در فرهنگ جامعه جدید و شباهت افراد مهاجر با جامعه مقصد، مذهب، تحصیلات، نوع جامعه (سنتی و مدرن) و تعداد افراد خانواده که در آن بزرگ شده است، می‌باشد. هم چنین عوامل داخلی تأثیرگذار بر رفتار و نیات باروری شامل: تحصیلات زنان و والدین شان، شغل همسر، پیروی از خانواده‌ای که در آن بزرگ شده‌اند، تفاوت در فرهنگ و آداب و رسوم، سن ازدواج، طول مدت ازدواج، قومیت، استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی می‌باشد.

روش و داده

پیمایش حاضر در سال ۱۳۹۹ صورت گرفته است. در پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری،

نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. دلیل استفاده از این روش این است که جامعه مورد مطالعه یک دست نیست و دارای ساختی همگن و متجانس نیستند و از اجزای گوناگون استفاده شده است. با استفاده از این شیوه نمونه‌گیری، جمعیت هر خوشه را متناسب با حجم جامعه انتخاب می‌کنیم. هم‌چنین در این مرحله باید بدانیم، شهر مهاجران دارای چند منطقه می‌باشد. بنابراین ما فهرستی از مناطق را به دست آوردیم. براساس این فهرست، شهر مهاجران دارای ۱۰ منطقه است. بنابراین چارچوب نمونه‌گیری اولیه را ۱۰ خوشه تشکیل داده است. بعد از انتخاب هر خوشه، متناسب با حجم جامعه مورد مطالعه، مناطقی که جمعیت بیشتری نسبت به دیگر مناطق داشتند، پرسشنامه بیشتری در آن مناطق توزیع شد. برای اندازه‌گیری حجم نمونه در هر منطقه نیز از جدول تناسب استفاده شد. در پایان نیز به طور تصادفی همراه دو نفر از پرسشگرها به درب منازل مراجعه کرده و اقدام به تکمیل پرسشنامه در بین زنان در سنین باروری (۴۹-۱۵ سال) گردید. ۳۵۸ نفر از زنان در سنین باروری در شهر مهاجران مورد بررسی قرار داده شد که ۱۹۲ نفر بومی و ۱۹۲ مهاجر می‌باشند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، زنان در سنین باروری (۴۹-۱۵ سال) مهاجر و بومی شهر مهاجران شازند هستند و دارای دو ویژگی هستند: ویژگی اول، حداقل سن ۱۵ و حداکثر سن ۴۹ و ویژگی دوم، این زنان دارای همسر می‌باشند. جمعیت مورد مطالعه از طریق داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ استفاده شده، که از طریق فرمول کوکران انجام گرفت. جهت بررسی مفاهیم تحقیق، از اعتبار صوری (ذهنی) که بخشی از روایی محتوا است، استفاده شده است. برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ (۰٫۸۸۳) به دست آمد. برای آماده سازی داده‌ها و تحلیل‌های توصیفی از نرم افزار spss استفاده شده و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیلی: آزمون خی دو، آزمون تی و جداول توافقی و تقاطعی استفاده شده است. تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱- تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیرهای وابسته	
متغیرها	تعریف عملیاتی
رفتار باروری	تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده
ایده‌آل باروری	تعداد فرزندان مطلوب از نظر مادر
متغیرهای مستقل	
متغیرها	تعریف عملیاتی
سن اولین بارداری	بارداری به شرایطی اطلاق می‌شود، که زن در رحم خود، چنین داشته باشد. این دوره در انسان به مدت ۹ ماه طول می‌کشد و بعد از این دوره با تولد نوزاد به پایان می‌رسد. در انسان دوره بارداری طبیعی حدود ۳۸ هفته از زمان بارور شدن طول می‌کشد. اگر طول این دوره از آخرین قاعدگی فرد باردار محاسبه شود، مقدار طبیعی آن تقریباً ۴۰ هفته خواهد بود.
ارزش فرزندان	یک نوع نگاه، ارزش مثبت و نگاه مثبت نسبت به داشتن و وجود فرزند از لحاظ منافع از جمله اقتصادی، عاطفی، به دست آوردن هویت و دست یافتن به کمال و دوام خانوادگی است.
تعلق به جامعه مقصد	برای اینکه بتوانیم میزان انطباق، همگون شدن ادغام شدن با جامعه مقصد را مشخص کنیم، باید میزان تعلق داشتن مهاجران به جامعه مقصد را سنجید. برای سنجیدن این نوع متغیر، می‌توان از متغیرهایی از جمله، تمایل داشتن به بازگشت به مبدأ، میزان رضایت مندی از زندگی در مقصد و میزان ارتباط داشتن با افراد جامعه جدید استفاده کرد.
روابط اجتماعی	روابط اجتماعی را می‌توان ارتباط بین دو نفر و یا چند گروه تعریف کرد، یعنی روابط اجتماعی ارتباط و وابستگی متقابل افراد نسبت به یکدیگر است.
حمایت اجتماعی	حمایت اجتماعی را نوعی مبادله بین فردی است که پیوندهای عاطفی، کمک‌های مؤثر ابزاری، ارائه اطلاعات و اظهار نظر و ارزیابی دیگران را در شامل می‌شود.
سرمایه اجتماعی خانواده	به جنبه‌های قابل رویت و قابل لمس تر مفهوم سرمایه اجتماعی که در روابط غیر رسمی، شدیدتر، با دوام تر و چهره به چهره درون خانواده وجود دارد، اشاره می‌کند و شامل مولفه‌های نظیر، تعاملات بین اعضای خانواده، تعداد فرزندان، حضور والدین در خانه و اشتغال والدین می‌شود.

یافته‌ها

مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی نمونه مورد بررسی

مقایسه زنان مهاجر با زنان بومی نشان دهنده تفاوت‌های اساسی آن‌ها از نظر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بین این دو گروه می‌باشد (جدول ۲). یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که به‌طور کلی زنان مهاجر، جوان‌تر از زنان

بومی هستند، اما در سنین بالاتری فرزندان خود را به دنیا می‌آورند. بر این اساس، زنان مهاجر نسبت به زنان بومی از نظر سطح تحصیلات از سطوح تحصیلات بالاتری برخوردار بوده‌اند، ۴۷/۸ درصد زنان بومی دارای مدارک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم بوده‌اند، ۷۲/۶ درصد زنان مهاجر دارای مدارک دیپلم و فوق دیپلم بوده‌اند و از نظر وضعیت شغلی، زنان بومی کمتر شاغل بوده است. در گروه افراد بومی بیشترین فراوانی آپارتمان استیجاری ۳۲٫۴ درصد و کمترین فراوانی رایگان، متعلق به بستگان ۱٫۱ درصد و برای افراد مهاجر بیشترین فراوانی آپارتمانی ۳۴٫۷ درصد و کمترین رایگان متعلق به بستگان ۲٫۹ درصد بود.

بنابراین، نتایج نشان دهنده این است، در هر دو گروه بیشترین فراوانی در آپارتمان‌های استیجاری و کمترین فراوانی متعلق به بستگان مشترک می‌باشد و افرادی که در خانه‌های اجاره‌ای آپارتمانی یا مستقل و شخصی با قیمت بالا مواجه می‌شوند، فرزندآوری را به تأخیر انداخته و به تقاضای منفی فرزندآوری اقدام می‌نمایند و بالا رفتن هزینه‌های مربوط به افزایش فرزند و افزایش قیمت مسکن، می‌تواند به تعویق افتادن فرزندآوری منجر شود و باروری را تحت تأثیر قرار دهد. از نظر وضعیت شغلی هم چنین بیشترین گروه سنی ۲۴-۲۰ در هر دو گروه مهاجر و بومی و سن اولین بارداری در زنان بومی ۲۹-۲۵ ساله و در زنان مهاجر ۲۴-۲۱ ساله مشاهده شد. در گروه افراد بومی، بیشترین فراوانی در نوع مهاجرت دائمی ۶۷ درصد و برای گروه افراد مهاجر بیشترین فراوانی در نوع مهاجرت دائمی ۵۸٫۶ درصد بود. بنابراین نتایج نشان دهنده این است، هر دو گروه، نوع مهاجرت دائمی را انتخاب کرده‌اند. در هر دو گروه در مورد سن ازدواج، بیشترین فراوانی بین سنین زنان ۲۵ تا ۳۰ و کمترین در سنین زنان بیشتر از ۳۰ سال مشترک می‌باشد. از نظر نوع مهاجرت ۵۸/۶ درصد مهاجران دست مهاجرت دائمی و ۴۱/۴ درصد آن‌ها مهاجرت موقتی داشته‌اند. از نظر سن ازدواج در حالیکه ۲۸/۲ درصد بومیان زیر ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند، فقط ۱۷/۶ درصد مهاجران زیر ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند.

جدول ۲. مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی زنان ۴۹-۱۵ ساله مورد مطالعه

مشخصه‌ها	طبقات متغیر	زنان بومی	زنان مهاجر
تحصیلات	دیپلم	۳۵.۲	۴۱.۳
	فوق دیپلم	۰.۳۳	۴۱.۸
	لیسانس	۲۷.۴	۴۰.۷
	فوق لیسانس و بالاتر	۴.۵	۶.۱
وضع شغلی	شاغل	۲۱.۸	۳۶.۹
	بیکار	۷۸.۲	۶۳.۱
	دیپلم	۲۵.۵	۳۹.۶
سطح تحصیلات همسر	فوق دیپلم	۲۲.۳	۲۳
	لیسانس	۳۱.۸	۲۷.۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۰.۷	۱.۱
	مستقل	۸.۵	۰.۱۰
نوع مسکن	مستقل اجاره‌ای	۱۵.۴	۲۱.۲
	آپارتمان شخصی	۲۶.۶	۱۷.۶
	آپارتمان استیجاری	۲۲.۴	۳۴.۷
	سازمانی	۶.۹	۵.۳
	زنانگان معطوف به بستگان	۱.۱	۲.۹
	سایر	۰.۹	۸.۲
گروه‌های سنی	۱۵-۱۹	۲۱.۲	۱۵.۶
	۲۰-۲۴	۳۴.۶	۳۸.۵
	۲۵-۲۹	۱۶.۸	۳۶.۳
	۳۰-۳۴	۱۳.۴	۱۲.۸
	۳۵-۳۹	۷.۸	۳.۴
	۴۰-۴۴	۳.۴	۳.۴
	۴۵-۴۹	۲.۸	-
سن اولین بارداری	۱۶-۲۰	۲۷.۴	۲۰.۱
	۲۱-۲۴	۲۹.۶	۳۸.۵
	۲۵-۲۹	۳۰.۷	۳۰.۲
	+۳۵	۱۲.۳	۱۱.۲
نوع مهاجرت	دائمی	-	۵۸.۶
	موقت	-	۴۱.۴
سن ازدواج	۲۰ تا	۲۸.۲	۱۷.۶
	۲۰-۲۵	۱۸.۱	۳۰.۶
	۲۵-۳۰	۵۱.۱	۴۸.۸
	+۳۰	۲.۷	۲.۹

رفتارهای باروری زنان مهاجر و بومی

جدول شماره ۳، نشان دهنده اختلاف تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده بین دو گروه زنان بومی و مهاجر می‌باشد. میانگین تعداد فرزندان بومیان حدود ۲/۵ فرزند و مهاجران در حدود ۲ فرزند بوده است. با توجه به مقدار تی به دست آمده و سطح معناداری، اختلاف رفتار باروری بومیان و مهاجران معنادار است. به عبارتی دیگر، تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده بومیان، بیشتر از مهاجران است.

جدول ۳. آزمون تی نمونه‌ای مستقل برای بررسی اختلاف تعداد فرزندان بومیان و مهاجران

مشخصه ها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین استاندارد	P-Value	t-test
تعداد فرزندان	بومی	۱۷۹	۲٫۴۷	۰٫۶۴۷	۰٫۰۴۸	۰٫۵۳۲	۱٫۶
	مهاجر	۱۷۹	۲٫۰۰	۰٫۸۶۰	۰٫۰۶۴		

جدول شماره ۴، فراوانی و درصد افراد گروه‌های بومی و مهاجر نسبت به تمایل به فرزندآوری را نشان می‌دهد. همان طور که ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد، میزان خی‌دو به دست آمده حاصل از مقایسه فراوانی‌های دو گروه مهاجر و بومی، در متغیر تمایل به فرزندآوری برابر با ۲/۲۴ می‌باشد، که به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد (۰/۰۸۳). اگرچه درصد زنان با تمایل به فرزندآوری بیشتر در بین بومیان (۳۹/۴ درصد) و در بین مهاجران (۳۱/۸ درصد) بوده است، اما این اختلاف از نظر آماری معنادار نبوده است.

جدول ۴. فراوانی و درصد تمایل به فرزندآوری در زنان بومی و مهاجر

P-Value	مقدار خی دو	مهاجر		بومی		تمایل به فرزندآوری
		درصد فراوانی	تعداد (فراوانی)	درصد فراوانی	تعداد (فراوانی)	
۰٫۰۸۳	۲٫۲۴	۳۱٫۸	۵۴	۳۹٫۴	۷۴	پله
		۶۸٫۲	۱۱۶	۶۰٫۶	۱۱۴	خیر
		۱۰۰	۱۷۰	۱۰۰	۱۸۸	کل

براساس مدل وقفه مهاجرت، مهاجران به دلیل مهاجرت و جابه جایی، فرزندآوری خود را به تأخیر می‌اندازند و در این حالت با کاهش باروری مواجه می‌شویم. کاهش باروری با توجه این نظریه، می‌تواند یک اثر موقتی داشته باشد. البته مهاجرت به خودی خود امکان دارد، که باعث طلاق، ازدواج دیر هنگام و در نتیجه کاهش در سطح باروری شود. در جدول شماره ۵، تلاش شده است با استفاده از مقایسه سن اولین بارداری در بین مهاجران و بومیان، این فرضیه آزمون شود. همان طور که ملاحظه می‌شود، درصد زنانی بومی که اولین فرزند خود را در گروه‌های سنی پائینتر (۲۰-۱۶) به دنیا می‌آوردند، بیشتر از مهاجران در همان گروه سنی است. با توجه به مقدار χ^2 دو (۴/۶) و سطح معناداری آن (۰/۰۴۹)، فرضیه وقفه باروری در اثر مهاجرت تأیید می‌گردد.

جدول ۵. توزیع درصدی سن اولین بارداری در بین زنان مهاجر و بومی

مهاجر	بومی	گروه سنی	
۲۰،۱	۲۷،۴	۱۶-۲۰	
۳۸،۵	۲۹،۶	۲۱-۲۴	
۳۰،۲	۳۰،۷	۲۵-۲۹	
۱۱،۲	۱۲،۳	+۳۵	
۱۰۰	۱۰۰	کل	درصد
۱۷۹	۱۷۹	تعداد	
سطح معناداری: ۰/۰۴۹		مقدار χ^2 دو: ۴،۶	

یکی از عواملی که در بالا بردن سطح باروری زنان مهاجر در جامعه مقصد دخیل است، ترجیح فرزند پسر است، که در برخی از تحقیقات قبلی مورد تأیید قرار گرفته است. در جدول شماره ۶، ترجیحات جنسی بین زنان مهاجر و بومی مقایسه شده است. همان طور که ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد، از نظر ترجیح جنس دختر، بین زنان بومی و مهاجر اختلافی دیده نمی‌شود، اما در خصوص ترجیح جنس پسر، ۲۹/۱ درصد زنان بومی ترجیح داده‌اند، فرزند پسر داشته باشند. در حالیکه ۱۷/۳ درصد زنان مهاجر ترجیح داده‌اند، فرزند پسر داشته باشند. در عین حالیکه ۱۷/۳ درصد زنان بومی بیان کرده‌اند، که جنسیت فرزند برای آن‌ها فرقی

نمی‌کند، ۳۰/۷ درصد زنان مهاجر بیان داشته، که جنسیت فرزند برای آن‌ها فرقی نمی‌کند. یکی از دلایل اینکه این ترجیح در بین مهاجران مورد مطالعه با مطالعات قبلی فرق می‌کند، به تیپولوژی مهاجران مربوط است. مهاجران شهر مهاجران عموماً نسبت به بومیان باسوادتر هستند و سطح مدارک تحصیلی آن نسبت به بومیان بالاتر است.

جدول ۶: توزیع درصدی ترجیح جنسی در زنان بومی و مهاجر

جنسیت	بومی	مهاجر
پسر	۲۹،۱	۱۷،۳
دختر	۵۰،۸	۴۹،۲
کندفرقی نمی	۱۷،۳	۳۰،۷
پاسخ داده نشده	۲،۸	۲،۸
درصد	کل	۱۰۰
	تعداد	۱۷۹
آزمون تفاوتها	مقدار خی دو: ۲،۶	سطح معناداری: ۰/۰۵

از جمله رویکردهای نظری این مقاله مدل انطباق است که اساساً توضیح می‌دهد در بلند مدت رفتار باروری مهاجران منطبق بر رفتار بومیان می‌شود. برخی از متغیرهای ارزیابی مدل انطباق مهاجران با جامعه مقصد عبارتند از، سطح روابط اجتماعی با افراد جامعه جدید، سطح حمایت اجتماعی توسط اطرافیان، سطح سرمایه اجتماعی، سنجش تفاوتها و مشابهت‌های ارزش فرزندان مهاجران و غیر مهاجران که در ادامه بحث به آن‌ها پرداخته می‌شود.

برقراری روابط اجتماعی بین افراد مهاجر و بومی، می‌تواند در انطباق پذیری فرد مهاجر با جامعه مقصد نقش تأثیرگذاری داشته باشد. روابط اجتماعی از اصول اساسی برای دوام و پایداری زندگی فرد مهاجر در جامعه مقصد است و هم چنین عاملی برای همانندی رفتارهای دموگرافیک است. بر اساس فرضیه در نظر گرفته شده برای این متغیر می‌توان گفت، هر چه سطح روابط اجتماعی فرد مهاجر

با افراد جامعه مقصد بالاتر، میزان تمایلات و رفتارهای باروری او با جامعه مقصد مشابه تر. در جدول شماره ۷، توزیع درصدی مهاجران و بومیان بر حسب سطح روابط اجتماعی و تمایل به باروری گزارش شده است. همان طور که مقدار خی دو (۲) و سطح معناداری (۰/۰۸) نشان می‌دهد، بین این دو متغیر سطح روابط اجتماعی و تمایل به باروری رابطه معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد.

جدول ۷. توزیع درصدی بومیان و مهاجران بر حسب سطح روابط اجتماعی و تمایل به فرزندآوری

مقدار خی دو	سطح معناداری	کل	گروه		تمایل به فرزندآوری	سطح روابط اجتماعی
			مهاجر	بومی		
۲	۰/۰۸	۵۰.	۱۰۰		بلی	کم
		۵۰.		۱۰۰	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	
		۳۷,۳	۳۵.	۴۰.	بلی	متوسط
		۶۲,۷	۶۵.	۶۰.	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	
		۳۵,۲	۳۰,۴	۳۹,۹	بلی	زیاد
		۶۴,۸	۶۹,۶	۶۰,۱	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	
		۳۵,۸	۳۱,۸	۳۹,۷	بلی	
		۶۴,۲	۶۸,۲	۶۰,۳	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	

از متغیرهای موثر بر رفتار باروری برحسب مدل انطباق، حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی به میزان برخورداری از عشق و محبت، همدلی، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و... اشاره دارد. حمایت اجتماعی را مجموعه اطلاعاتی که فرد را به این اعتقاد و باور می‌رساند، که در یک شبکه ارتباطی مورد توجه و علاقه دیگران است و از سوی این افراد با ارزش و محترم شمرده می‌شود و در نتیجه چنین اعتقادی، این احساس به فرد دست می‌دهد که به آن شبکه ارتباطی

تعلق داشته باشد. حمایت اجتماعی را نوعی مبادله بین فردی است، که پیوندهای عاطفی، کمک‌های مؤثر ابزاری، ارائه اطلاعات و اظهار نظر و ارزیابی دیگران را شامل می‌شود (گلین و سندمن، ۲۰۰۶).

در جدول شماره ۸، توزیع درصد زنان بومی و مهاجر بر حسب سطح حمایت اجتماعی و میل به فرزندآوری، مورد آزمون قرار گرفته است. همان طور که ملاحظه می‌شود، دو متغیر مورد مطالعه رابطه معنادار آماری ندارند.

جدول ۸. توزیع درصدی بومیان و مهاجران بر حسب سطح حمایت اجتماعی و تمایل به فرزندآوری

سطح حمایت	تمایل به فرزندآوری	گروه		کل	سطح معناداری	خی دو
		بومی	مهاجر			
کم	بلی	۳۶،۴	۲۸.	۳۰،۶	۰،۰۷	۰،۲۵۲
	خیر	۶۳،۳	۷۲.	۶۹،۴		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
متوسط	بلی	۳۸،۳	۳۳،۳	۳۵،۸		
	خیر	۶۱،۷	۶۶،۷	۶۴،۲		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
زیاد	بلی	۴۳،۴	۲۹،۷	۳۷،۸		
	خیر	۵۶،۶	۷۰،۳	۶۲،۲		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
کل	بلی	۳۹،۷	۳۱،۸	۳۵،۸		
	خیر	۶۰،۳	۶۸،۲	۶۴،۲		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		

احساس تعلق فرد مهاجر به جامعه مقصد یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر رفتار باروری مهاجران است. برای اینکه بتوانیم میزان انطباق، همگون شدن و ادغام شدن با جامعه مقصد را مشخص کنیم، باید میزان تعلق داشتن مهاجران به جامعه مقصد را سنجید. برای سنجیدن این نوع متغیر، می‌توان از متغیرهایی از

جمله، تمایل داشتن به بازگشت به مبدأ، میزان رضایت‌مندی از زندگی در مقصد و میزان ارتباط داشتن با افراد جامعه جدید استفاده کرد. در جدول شماره ۹، توزیع درصدی زنان بومی و مهاجر بر حسب احساس تعلق به جامعه و تمایل به فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفته است. همان طور که ملاحظه می‌شود، رابطه دو متغیر ضعیف بوده و از نظر آماری معنادار نشده است.

جدول ۹. توزیع درصدی بومیان و مهاجران بر حسب احساس تعلق به جامعه و تمایل به فرزندآوری

خی دو	سطح معناداری	کل	تمایل به فرزندآوری		احساس تعلق به جامعه
			مهاجر	بومی	
.۰۴۰	.۰۶	۲۱,۱	.۲۲	.۲۰	بلی
		۷۸,۹	.۷۸	.۸۰	خیر
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
		۴۱,۶	.۳۹	.۴۴	بلی
		۵۸,۴	.۶۱	.۵۶	خیر
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
		۳۶,۴	۲۸,۶	۴۳,۱	بلی
		۶۳,۶	۷۱,۴	۵۶,۹	خیر
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
		۳۵,۸	۳۱,۸	۳۹,۷	بلی
		۶۴,۲	۶۸,۲	۶۰,۳	خیر
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

به جنبه‌های قابل رویت و قابل لمس‌تر مفهوم سرمایه اجتماعی که در روابط غیررسمی، شدیدتر، با دوام تر و چهره به چهره درون خانواده وجود دارد، اشاره می‌کند و شامل مولفه‌هایی نظیر، تعاملات بین اعضای خانواده، تعداد فرزندان، حضور والدین در خانه و اشتغال والدین می‌شود. همچنین سرمایه اجتماعی در خانواده، تجلیات انتزاعی‌تر سرمایه اجتماعی از قبیل، اعتماد، هنجار، ارزش‌ها در درون خانواده را شامل می‌شود و کنش متقابل میان مردم را تحت تأثیر قرار

می‌دهد (هارفام، گرانت و توماس^۱، ۲۰۰۲).
در جدول شماره ۱۰، توزیع درصدی بومیان و مهاجران برحسب سطح سرمایه اجتماعی و تمایل به فرزندآوری گزارش شده است. همان طور که مقدار χ^2 دو (۱/۰۲۹) و سطح معناداری (۰/۰۷۶) نشان می‌دهد، رابطه بین دو متغیر از نظر آماری معنادار نشده است.

جدول ۱۰. توزیع درصدی بومیان و مهاجران بر حسب سطح سرمایه اجتماعی و تمایل به فرزندآوری

سطح سرمایه اجتماعی	تمایل به فرزندآوری	گروه		کل	سطح معناداری	خی دو
		بومی	مهاجر			
کم	بلی	۶۶،۷	۳۳،۳	۵۸،۳	۰،۷۶	۱،۰۲۹
	خیر	۳۳،۳	۶۶،۷	۴۱،۷		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
متوسط	بلی	۳۶،۷	۳۴،۴	۳۵،۶	۰،۷۶	۱،۰۲۹
	خیر	۶۳،۳	۶۵،۶	۶۴،۴		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
زیاد	بلی	۴۷،۸	۲۵	۳۲،۴	۰،۷۶	۱،۰۲۹
	خیر	۵۲،۲	۷۵	۶۷،۶		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
کل	بلی	۳۹،۷	۳۱،۸	۳۵،۸	۰،۷۶	۱،۰۲۹
	خیر	۶۰،۳	۶۸،۲	۶۴،۲		
	کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		

یکی از متغیرهای تعیین کننده تفاوت رفتارها و ایده‌آل‌های فرزندآوری ارزش فرزند است. ارزش‌های مثبت و نگاه مثبت نسبت به داشتن و وجود فرزند از لحاظ منافی از جمله اقتصادی، عاطفی، به دست آوردن هویت و دست یافتن به کمال و دوام خانوادگی است. هم چنین نوع نگاه منفی به ارزش فرزند وجود دارد. این نوع نگاه، ارزش منفی و نگرش منفی به داشتن فرزند دارد، یعنی داشتن فرزند دارای یکسری

هزینه‌هایی شامل، هزینه‌های خانوادگی، عاطفی، اقتصادی و فرصت‌های از دست رفته و جسمانی می‌شود. حال هرچقدر نوع نگاه مثبت و ارزشی به داشتن فرزند در خانواده بیشتر باشد، تمایل خانواده به داشتن فرزند بیشتر و میزان باروری بالا می‌رود و هر چه قدر نگاه منفی به داشتن فرزند در خانواده بیشتر باشد، میزان باروری نیز کاهش می‌یابد. تبیین باروری، فقط از طریق موقعیت اقتصادی نیست، بلکه با ارزیابی ارزش‌ها، باورها و منافع غیراقتصادی فرزندان نیز اهمیت پیدا می‌کند. تعریف ارزش فرزندان، را می‌توان به عنوان کلیه چیزهایی خوبی عنوان کرد که والدین با وجود فرزندان کسب می‌کنند (هافمن و هافمن، ۱۹۷۸). یک سیستم ارزشی را می‌توان به نه مؤلفه تقسیم کرد: که هشت مؤلفه آن مربوط به ارزش‌های اقتصادی نظیر، خوشحالی، ابداع، کمال و ... و یک مؤلفه دیگر در مورد سودمندی اقتصادی می‌شود (هافمن و هافمن، ۱۹۷۸). ارقام مندرج در جدول شماره ۱۱، نشان می‌دهد که به طور کلی ارزش فرزندان بین زنان بومی بیشتر از مهاجران است و مقدار آزمون خی دو (۳/۷) و سطح معناداری نشان می‌دهد، که تفاوت ارزش فرزندان و مهاجران از نظر آماری معنادار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱۱. توزیع درصدی بومیان و مهاجران بر حسب ارزش فرزند و تمایل به فرزندآوری

سطح معناداری	خی دو	کل	گروه		تمایل به فرزندآوری	ارزش فرزندان
			مهاجر	بومی		
۳,۷	۰/۰۳۰	۲۳,۱	۲۰.	۳۳,۳	بلی	کم
		۷۶,۹	۸۰.	۶۶,۷	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	
		۴۰,۷	۴۱,۲	۴۰.	بلی	متوسط
		۵۹,۳	۵۸,۸	۶۰.	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	
		۳۲,۸	۲۳,۸	۳۹,۶	بلی	زیاد
		۶۷,۲	۷۶,۲	۶۰,۴	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	
		۳۵,۸	۳۱,۸	۳۹,۷	بلی	کل
		۶۴,۲	۶۸,۲	۶۰,۳	خیر	
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	

بحث و نتیجه گیری

این مقاله به بررسی تفاوت‌های رفتارها و ایده‌آل‌های فرزندآوری بومیان و مهاجران پرداخته است. موضوعی که مورد توجه بسیاری از محققان داخلی و خارجی است. چنین فرض می‌شود، که بومیان به دلیل ثبات موقعیت اجتماعی، داشتن شبکه اجتماعی قوی‌تر و حمایت اجتماعی بیشتر نسبت به افراد مهاجر که هنوز به ثبات در وضعیت اجتماعی نرسیده‌اند، دارای الگوها و رفتارهای باروری خاص خود هستند. به عبارت دیگر بومیان به دلیل اینکه بعد از چندین سال سکونت و اقامت در شهر و ارتباط داشتن با افراد دیگر و داشتن شغل و درآمد مناسب، به ثبات نسبی در اقتصاد خانواده رسیده‌اند، ارزش فرزندان برای آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. با توجه به موارد بیان شده، تمایل بومیان به داشتن تعداد فرزند نسبت به مهاجرانی که از حامیان نزدیک برخوردار نیستند، بیشتر است. این پژوهش تلاش نموده است که تفاوت‌های رفتارها و ایده‌آل‌های فرزندآوری زنان بومی و

مهاجر را از زوایه مهمترین متغیرهای اثرگذار بر باروری مورد بررسی قرار دهد. در خصوص تفاوت‌های رفتارهای باروری مهاجران و بومیان چندین رویکرد مورد توجه محققان بوده است: برخی محققان به این نتیجه رسیده‌اند، که تفاوت‌های باروری مهاجران و بومیان در طول زمان به شدت کاهش می‌یابد و رفتار باروری مهاجران در نهایت شبیه رفتار بومیان می‌شود (هام، ۲۰۱۴، کاماروتا، و زیگلر، ۲۰۱۹، کوولو ۲۰۰۵، جانسون ۲۰۰۴). کلوین (۲۰۱۸)، عباسی شوازی و دیگران (۱۹۹۵) و نوانتینان (۲۰۱۳) در یافته‌های تقریباً مشابهی اذعان نموده‌اند، که مشکلات و مسائل اقتصادی و اجتماعی مهاجران، منجر به کاهش باروری مهاجران می‌شود. برخی محققان از اثر وقفه‌ای مهاجرت بر رفتار باروری سخن گفته‌اند، استیون، کاماروتا و زیگلر (۲۰۱۹)، به این نتیجه رسیدند که باروری مهاجران نسبت به بومیان کاهش بیشتری تجربه نموده، یعنی مهاجرت باعث کاهش باروری در مهاجران شده است و حکایت از تأثیر وقفه مهاجرتی بر رفتار باروری مهاجران دارد. کوولو و هانمان (۲۰۱۷)، در خصوص رفتار باروری نسل دوم مهاجران به این نتیجه رسیده‌اند، که باروری نسل دوم مهاجران در درجه اول تحت تأثیر محیط اجتماعی کشور مبدأ است، که در آنجا بزرگ شده‌اند. اگرچه محیط جامعه مبدأ یک نواخت نیست، و این تفاوت‌ها بعضاً به جامعه مقصد نیز انتقال می‌یابد. برخی ممکن است تحت تأثیر جامعه اصلی رشد کنند، در حالیکه ممکن است، برخی دیگر نیز تحت تأثیر خرده فرهنگ اقلیت زندگی کنند. تأثیر جامعه اصلی منجر به جذب ساختاری عمدتاً اقتصادی و فرهنگی فرزندان مهاجران می‌شود و نشان دهنده شباهت رفتار آن‌ها به رفتار اکثریت می‌باشد.

یافته‌های ما نشان می‌دهد، که سطح باروری بومیان جامعه شهر مهاجران شازند بالاتر از مهاجران وارد شده به این شهر است، به طوری که تعداد فرزندان بومیان حدود ۲/۵ فرزند و مهاجران حدود ۲ فرزند می‌باشد. مقایسه ویژگی‌های زنان مهاجر و بومی نشان داد، که این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی زنان مهاجر و بومی است، به طوری که زنان مهاجر از سطح سواد بالاتری نسبت به بومیان برخوردارند، ارزش‌های مثبت فرزندان در بین آن‌ها ضعیف‌تر است، ترجیحات جنسی برابری طلبانه بیشتری نسبت به بومیان دارند و سن زنان مهاجر در تولد اولین فرزند بالاتر از سن زنان بومی است.

منابع:

- پرویش، تکم، (۱۳۸۳)، مقایسه رفتارهای باروری مهاجران افغانی با بومیان ساکن در منطقه گلشهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- دهقان، امیرحسین، (۱۳۹۴)، عوامل تعیین‌کننده باروری در بین کارگران مهاجر غیر بومی در شهر یزد، پایان نامه ارشد، دانشگاه یزد.
- سعادت، مهسا، (۱۳۹۶)، مقایسه تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده زنان شهری و روستای مهاجر به تهران، مجله زیست پزشکی جرجانی، سال ۵، شماره ۲، زمستان و پاییز.
- صادقی، رسول، (۱۳۹۰)، سازگاری اجتماعی- جمعیتی نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران، پایان نامه دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- صادقی، رسول، عباسی شوازی، محمد جلال، شهریاری پونه، (۱۳۹۵)، تحلیل تفاوت‌های باروری زنان مهاجر و عراقی با هم‌تایان ایرانی، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، شماره ۲۲، صص: ۱۹۹-۱۴۸.
- محمودیان، حسین، (۱۳۷۹)، پژوهش در زمینه‌های نظری و نتایج تجربی مهاجرت و باروری، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵، بهار و تابستان، صص ۱۶۴-۱۴۶.
- محمودیان، حسین، (۱۳۸۶)، مهاجران افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، شماره ۴، صص: ۶۹-۴۲.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ناشر مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ناشر مرکز آمار ایران.
- Acharya, R. C. (2010). The effect of demographic factors on fertility behaviour in Western Terai of Nepal. *Economic Journal of Development Issues*, 99- 111. 38.
- Ackoff, R. L. (1976). Does quality of life have to be quantified? *Journal of the Operational Research Society*, 27(2), 289 - 303.
- Adhikari, R. (2010). Demographic, socio-economic, and cultural factors affecting fertility differentials in Nepal. *BMC pregnancy and childbirth*, 10(1), 1- 11.
- Andersson, G., & Scott, K. (2005). Labour-market status and first-time parenthood: The

- experience of immigrant women in Sweden, 1981–97. *Population studies*, 59(1), 21 -38.
- Bach, R. L. (1981) Migration and Fertility in Malaysia: A Tale of TwoHypotheses. *International Migration Review* 15 (55): 502- 521.
- Camarota, S. A., & Zeigler, K. (2019). *Immigrant and native fertility 2008 to 2017*. Washington, DC: Center for Immigration Studies.
- Carlson, E. D. (1985). The impact of international migration upon the timing of marriage and childbearing. *Demography*, 22(1), 61 - 72.
- Colvin, M. & F. T. Cullen & T. Vander en (2002), «Coercion, Social Support, And Crime: An Emerging Theoretical Consensus», *Criminology*, No 1:123 - 15.
- Espenshade, T.J. (1994). «Does the treat of border apprehensiondeter undocumented US immigration? » *Population and Development Review*, Vol. 20, No. 4, pp: 871 - 92.
- Ford, K. (1990) Duration of Residence in the United States and theFertility of US Immigrants. *International Migration Review* 24(1): 34 - 68
- Ford, K. (1990). Duration of residence in the United States and the fertility of US immigrants. *International migration review*, 24(1), 34 - 68.
- Goldstein, S., & Goldstein, A. (1984). Inter-relations between migration and fertility: Their significance for urbanisation in Malaysia. *Habitat International*, 8(1), 93 -103.
- Harpham, T., Grant, E., & Thomas, E. (2002). Measuring social capital within health surveys: key issues. *Health policy and planning*, 17(1), 106 -111.
- Hoffman, L. W., Thornton, A., & Manis, J. D. (1978). The value of children to parents in the United States. *Journal of Population*, 91- 131.
- Kulu, H. (2005). Migration and fertility: Competing hypotheses re-examined. *European Journal of Population/Revue européenne de Démographie*, 21(1), 51- 87.
- Kulu, H., Hannemann, T., Pailhé, A., Neels, K., Krapf, S., González-Ferrer, A., & Andersson, G. (2017). Fertility by birth order among the descendants of immigrants in selected European countries. *Population and Development Review*, 31- 60.
- Lindstrom, D. P. (2003). Rural-urban migration and reproductive behavior in Guatemala. *Population research and policy review*, 22(4), 351- 372.
- Rini, C., Schetter, C. D., Hobel, C. J., Glynn, L. M., & Sandman, C. A. (2006). Effective social support: Antecedents and consequences of partner support during pregnancy. *Personal Relationships*, 13(2), 207- 229.
- Royer, H., & McCrary, J. (2006). The Effect of Female Education on Fertility and Infant Health: Evidence from School Entry Policies Using Exact Date of Birth. *National Bureau of Economic Research*.
- Seah, K. K. (2018). The effect of immigration shocks on native fertility outcomes: evidence from a natural experiment. *IZA Journal of Development and Migration*, 8(1), 1- 34.
- Sibanda, A., Woubalem, Z., Hogan, D. P., & Lindstrom, D. P. (2003). The proximate determinants of the decline to below-replacement fertility in Addis Ababa, Ethiopia. *Studies in family planning*, 34(1), 1- 7.
- Singley, S. G., & Landale, N. S. (1998). Incorporating origin and process in migration-fertility frameworks: The case of Puerto Rican women. *Social forces*, 76(4), 1437 -1464.
- Stephen, E. H., & Bean, F. D. (1992). Assimilation, disruption and the fertility of Mexican-origin women in the United States. *International Migration Review*, 26(1), 67- 88.